

رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین‌المللی

دکتر محمد جواد شریعت باقری*

«۱۳۸۰/۱۲/۱۵»

قرارداد دلالتی و واسطه‌گری در حقوق داخلی کشورهای مختلف تأسیسی آشناست. دلال و واسطه با تلاش قانونی و منطقی که برای «جوش دادن» قرارداد معمول می‌دارد مستحق اجرت است.^(۱) در قراردادهای بین‌المللی نیز واسطه‌ها و دلالان حضور فعال دارند. اما قرارداد دلالتی همیشه برای تلاش دلالتی که با حسن نیت پیوند بین طرفین را برقرار می‌نماید به کار نمی‌رود. افراد و شرکتی که با پرداخت رشوه قادر به اعمال نفوذ در نزد یکی از طرفین قراردادند با پوشش «قرارداد واسطه‌گری» نفوذ غیر قانونی خود را اعمال می‌کنند. سؤال این است که تکلیف اینگونه قراردادهای پوششی چیست؟ پاسخ دادگاهها این است که این قراردادها بلحاظ نامشروع بودن «جهت» آن باطلند. با وجود این پاره‌ای از نویسندگان حقوقی بر این باورند که رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای تجاری بین‌المللی که با کشورهای توسعه نیافته منعقد می‌شود از موجبات بطلان قرارداد نیست چه ارتکاب رشوه و اعمال نفوذ در تاروپود آنان تنیده است.

این مقاله با نگاهی انتقادی به دکترین «جواز رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین‌المللی» به تجزیه و تحلیل رأیی پرداخته که دادگاه پژوهش پاریس در مواجهه با موضوع فوق صادر نموده است. /

واژه‌های کلیدی:

رشوه - اعمال نفوذ - قراردادهای بین‌المللی - قرارداد دلالتی - واسطه‌گری - کمیسیون - داوری تجاری بین‌المللی - تجارت بین‌الملل رویه محاکم فرانسه - بخشش.

*- مدیرکل امور بین‌الملل قوه قضائیه

۱- ماده ۳۳۵ قانون تجارت: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

مقدمه:^(۱)

پاره‌ای از نویسندگان حقوقی^(۲) فرانسه چنین می‌گویند که رشوه و اعمال نفوذ چنان در تار و پود کشورهای جهان سوم تنیده است که شرکتهای غربی به منظور دستیابی به بازارهای این کشورها راه و چاره‌ای جز ارتکاب آن ندارند. بنابراین اگر قرار باشد که دادگاههای فرانسه قراردادی را که مبتنی بر رشوه و اعمال نفوذ است به دلیل نامشروع بودن «جهت» آن ابطال نمایند شرکتهای فرانسوی در رقابت با همقطاران خود از نیل به بازارهای جهان سوم باز می‌مانند. این واقعیت آنها را بدین مهم رهنمون می‌نماید که می‌بایست سر بر آستان رویه (پراتیک) معمول بها فرود آوریم و از آنجا که پراتیک منبع حقوق است به «جواز رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین المللی حکم» نمائیم.^(۳)

این نظر که می‌تواند بنیان اخلاق را از بنیاد حقوق براندازد چگونه قابل توجیه است؟ آیا تئوری‌های اجبار، اکراه و اضطرار می‌توانند تا آنجا پیش روند که «رقابت با همقطاران» در بدست آوردن یک بازار را نیز شامل شوند؟ نظر چنان سهمگین است که محاکم فرانسه بدان تن در نداده‌اند. در عین حال قضات درد آشنا و هوشمند توانسته‌اند در عین اذعان به غیر اخلاقی بودن رشوه و اعمال نفوذ، وقوع آن را در پرونده‌ای که نزد آنان مطرح است بلحاظ فقد دلیل قابل اثبات ندانند.

۱- بیش از ۷ سال از عمر تدوین این تحقیق گذشته است. نگارنده که در آن ایام در فرانسه به تحصیل مشغول بود مقاله را به امید طبع برای مجله‌ای حقوقی به تهران فرستاد. اما مقاله بهر دلیل به مطبوعه طبع دوستان آن مجله نرفت و سالیانی چند در خاموشی و تنهایی ماند. اکنون که از خلوت به جلوت گام می‌نهد هم بدین دلیل است که «موضوع» همچنان تازه و خواندنی است و حیث می‌نماید که از استیناس با خوانندگان خویش باز ماند. در عین حال قرائت نوین آن، نگارنده را بر آن داشت تا روح طغیانگر پاره‌ای تعیرات روزگار دانشجویی را از بیکره متن بازستاند تا از نقد نقادان ملامتگر که کالبد علم، روح عصیان را بر نمی‌تابد مصون و محروس بماند.

۲- اصطلاح «نویسندگان حقوقی» در ادبیات ما چندان رایج نیست و در اینجا از متون خارجی به عاریت گرفته شده است. در ادبیات ما معمولاً به جای این تعیر از «حقوقدانان» استفاده می‌کنند. اما بنظر می‌رسد که تعیرات «نویسندگان حقوقی»، «حقوقدانان» و «حقوقیین» می‌توانند در مقامات گوناگون استعمال شوند.

۳- ن ک:

این مقاله بر آن است که با تجزیه و تحلیل رأیی که دادگاه پژوهش پاریس در مواجهه با موضوع صادر نموده است، زوایای حقوقی را که دادگاه مزبور بر آن رفته است - تا حدودی که عباتاً ممکن است - بکاود و خواننده فارسی زبان خود را با گوشه‌ای از مسائل مربوط به حقوق تجارت بین الملل و داوری‌های بین المللی آشنا سازد.

رأی دادگاه پژوهش پاریس در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۷۲ (۱۰ سپتامبر ۱۹۹۳) صادر شده و «مجله انتقادی حقوق بین الملل خصوصی» فرانسه و همینطور «مجله داوری» سال ۱۹۹۴ به چاپ رسیده است.^(۱)

قبل از پرداختن به دکتترین «جواز رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین المللی» برای آنکه خواننده خود را در حال و هوای قضیه قرار دهیم خلاصه‌ای از ماجرای اختلاف طرفین را متذکر می‌شویم. این نکته را نیز یادآور می‌شویم که دادگاه پژوهش پاریس در رأی خود به تفصیل به شرح و بسط اختلاف طرفین پرداخته و ترجمه قسمتی از رأی مزبور نیز ضمیمه این مقاله است.

ماجرای اختلاف

اصل ماجرا در حقیقت بدست آوردن قرارداد تهیه توربین گاز برای پروژه پتروشیمی اراک بوده است. مسأله از اینجا شروع می‌شود که به دنبال اعلام شرکت ملی پتروشیمی ایران دایر بر نیاز به توربین‌های گاز جهت راه اندازی پروژه پتروشیمی اراک، شرکتی انگلیسی بنام "وست من"^(۲) در قراردادی که با شرکتی فرانسوی به نام آلستوم امضا می‌کند^(۳) متعهد می‌شود که با توجه به شناختی که از مقتضیات محلی دارد ترتیبی اتخاذ نماید که پتروشیمی اراک، پروژه تهیه توربینهای گاز را به شرکت فرانسوی آلستوم واگذار نماید مشروط به اینکه شرکت آلستوم نیز تعهد نماید که پس از واگذاری پروژه مزبور از سوی پتروشیمی اراک، در صدی از مبلغ موضوع قرارداد را به عنوان کمیسیون به شرکت انگلیسی "وست من" پرداخت نماید. باری، پروژه تهیه توربین‌های گاز به شرکت

1- Rev. Crit. dr. int. pr. n2,1994, P.349, note Vincent Heuze, Rev. arb.1994, P.359, note

Dominique Bureau.

2- Westman

3- Alstom

آلتوم واگذار می‌شود^(۱) اما شرکت آلتوم از پرداخت دیناری به «وست من» خودداری می‌نماید. شرکت انگلیسی با توجه به وجود شرط داوری در قرارداد به دادگاه داوری اتاق تجارت بین الملل، مستقر در پاریس شکایت می‌برد و دادگاه مزبور نیز شرکت فرانسوی را به پرداخت مبلغ ۵۷۱۲۲۴۰ فرانک سوئیس (به عنوان ۴٪ مبلغ قرارداد بین پتروشیمی اراک و شرکت فرانسوی) محکوم می‌نماید.

شرکت فرانسوی آلتوم با مراجعه به دادگاه پژوهش پاریس ضمن اعلام اینکه قرارداد منعقد شده با شرکت انگلیسی قراردادی مبتنی بر رشوه و اعمال نفوذ بوده تقاضای ابطال رأی را نموده است. وی در دادخواست خود مدعی شده است که شرکت وست من هیچگونه عمل دلالتی قانونی انجام نداده است که استحقاق دریافت کمیسیون را داشته باشد. در واقع قرار بر این بوده است که شرکت وست من با پرداخت رشوه و اعمال نفوذ در نزد کارفرما (پتروشیمی اراک) ترتیبی اتخاذ نماید که پروژه تهیه توربین‌های گاز به آلتوم واگذار شود و برنده شدن آلتوم در پروژه تهیه توربین‌های گاز به صلاحیت‌های آن شرکت مربوط بوده است و بنابراین رأی داوری در الزام آلتوم به پرداخت مبالغ مورد نظر تأییدی بر قرارداد رشوه و اعمال نفوذ است که فاقد مشروعیت قانونی است. دادگاه پژوهش پاریس در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۷۲ رأی مفصلی صادر نموده و سرانجام ضمن معتبر دانستن قرارداد، رأی داوری را تنها بدلیل تقلب در ارائه صورتحساب هزینه‌های به عمل آمده توسط شرکت انگلیسی قابل ابطال دانسته است. بدین ترتیب دادگاه فرانسه بدون اذعان به اینکه قرارداد بین طرفین قرارداد غیر اخلاقی و مبتنی بر رشوه و اعمال نفوذ بوده است با ابطال رأی داوری به نفع شرکت فرانسوی آلتوم رأی داده است.

دکترین جواز رشوه و اعمال نفوذ

درک رویه و عملکرد دادگاه پژوهش پاریس در برخورد با ماجرای اختلاف

۱- باید خاطر نشان کنیم که قرارداد بین شرکت فرانسوی و شرکت انگلیسی که به موجب آن شرکت انگلیسی متعهد شده است ترتیبی اتخاذ نماید تا پروژه تهیه توربین‌های گاز به شرکت فرانسوی واگذار شود لزوماً به معنای آن نیست که شرکت انگلیسی قادر به اعمال نفوذ نزد پتروشیمی ایران بوده است و با اسامی اعمال نفوذی انجام شده است بلکه آنچه مورد بحث است وجود چنین قراردادی بین دو شرکت خارجی و نحوه برخورد دادگاه پاریس با این قرارداد است.

آلستوم و وست من جز با ملاحظه و مطالعه نظریات نویسندگان حقوقی و دکترین نیست. در حقیقت قراردادهای بین المللی میسر جواز رشوه و اعمال نفوذ در پاره‌ای از نویسندگان حقوقی تلاش نموده‌اند که اثبات نمایند که ارتکاب رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین المللی نه تنها از موجبات بطلان قرارداد نیست بلکه داخل در عرف و رویه (پراتیک) تجارت بین الملل بوده و بدین لحاظ که «معمول به» است موجه است. آقای اپتی^(۱) در مقاله‌ای که در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان «پارادکس (تناقض) رشوه از منظر حقوق تجارت بین الملل» نوشته است می‌گوید: «پدیده رشوه یک پارادکس (تناقض) واقعی است از این جهت که همزمان هم مورد نفی و انکار همگی است و هم در تمامی جهان شایع است.» نامبرده پس از تذکر پاره‌ای ملاحظات جامعه - تاریخ و سیاست شناسانه می‌افزاید: «روابط اقتصادی بین المللی، نظر به گستردگی منافع مالی و ژئوپولیتیک و رقابت شدیدی که دست اندرکاران تجارت بین الملل را در مقابل هم قرارداده است و بعلاوه بافت ناهماهنگ جامعه بین المللی، وسعت قابل ملاحظه‌ای به پدیده رشوه داده است که دعاوی آشکار و پنهانی که به طور روزمره اتفاق می‌افتد شاهد آنند. امروزه در حقیقت انعقاد قراردادهای بین المللی غالباً به مبالغ گزافی پول که باید به عناوین مختلف به اشخاصی پرداخت شود که نفوذ بر روی امضا کننده یا امضا کنندگان قرارداد دارند بستگی دارد. (شخصیت‌های سیاسی، کارمندان دولتی، واسطه‌ها، مدیران شرکتها و غیره).» وی بر این عقیده است که: «همه انواع قراردادهای واسطه‌گری برای اینکار مورد استفاده واقع شده‌اند: کمیسیون، دلالی، وکالت، نمایندگی،^(۲) نمایندگی ویژه،^(۳) قرارداد واسطه،^(۴) توصیه،^(۵) موافقتنامه (توافق) توصیه،^(۶) معاونت فنی^(۷) و غیره.»

آنگاه پس از بر شمردن نمونه هایی از دعاوی، اظهار نظرهای وزراء و مسئولین سیاسی فرانسه و نظایر اینها، ضمن نقد نظریه کسانی که معتقدند رشوه مخالف نظم عمومی است می‌نویسد:

1- Bruno Oppetit, op.cit.

2- representation

3- agence

4- sponsoring

5- conseil

6- consultancy agreement

7- assistance technique

«این مخاطره‌انگیز است که به یک نظام حقوقی ملی مثل حقوق فرانسه، اصلی از نظم عمومی را نسبت بدهیم که به موجب آن ارتکاب رشوه در روابط تجاری بین المللی آثار حقوقی قراردادها را زایل نماید. در واقع از بررسی حقوق عملی^(۱) ما آنچه که بیشتر احساس می‌شود انعطاف نسبت به این عمل است. انعطافی که ناشی از واقع‌گرایی و ضرورت‌های مناسبات تجاری بین المللی است.»^(۲) سپس با اشاره به نظریه آنانی که به این واقعیت توجه ندارند اضافه می‌کند که: «اتخاذ این موضع در تجارت بین الملل موجب انزوای کشور خواهد شد.»

آقای اپتی سپس به قطعنامه‌ها و مصوبات مجامع بین المللی در محکومیت رشوه اشاره نموده و ضمن برشمردن متونی که از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،^(۳) اتاق تجارت بین الملل و جامعه اروپایی دایر بر طرد و نفی رشوه تهیه و منتشر گردیده است در قصد واقعی نویسندگان این متون تردید نموده و سرانجام پس از پرداختن به ضرورت اعلان صریح مقاصد نویسندگان به سیر تحول اخلاق در جامعه بشری اشاره کرده و گفته است: «همانطور که تلقی جامعه نسبت به اخلاق فردی و اجتماعی در مسائلی از قبیل زنا، سقط جنین و یا بازی^(۴) (بخت آزمایی) دچار تغییر و تحول شده است مسأله رشوه نیز به همین سرنوشت مبتلا شده و بنابراین اگر قانونی بودن آن هنوز در حوزه حقوق عملی وارد نشده است غیر قانونی بودن آن نیز معین نیست.»

نظریات آقای اپتی که از استادان سابقه دار و مشهور حقوق تجارت بین الملل و حقوق داوری بین المللی است هیچگاه مخالفت جدی سایر نویسندگان حقوقی را برنیانگیخته است. گفتار وی اگر چه در دایره تلاش برای قلع و قمع نظری مقتضیات

1- Droit positif

2- op. cit.p.15

۳- OCDE سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مشکل از کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا و نیوزلند است که در واقع صنعتی‌ترین کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند. مقراین سازمان در پاریس است (ن.ک به: Lexique de termes juridiques) تعداد این کشورها به ۲۴ می‌رسد و معادل انگلیسی سازمان، OCDE است.

۴- بازی (Jue) بخت آزمایی را قانون مدنی فرانسه ممنوع دانسته (ماده ۱۹۶۵)، معذک رویه قضائی آن را پذیرفته است و منظور از بازی قراردادی است که به موجب آن طرفین متعهد شوند در قبال حادثه‌ای نامعلوم یکی از آنان برنده چیزی شود. (بخت آزمایی).

اخلاقی از حقوق دور می‌زند، معذک بدین لحاظ که صریح و بی‌پرده است قابل توجه و تحسین است. دادگاه پژوهش پاریس در رأی مربوط به آلتوم اظهار نظر نموده است که: «قراردادی که علت و هدفش اعمال نفوذ و پرداخت رشوه است مخالف با نظم عمومی بین المللی فرانسه^(۱) و همینطور اخلاق مناسبات تجاری بین المللی به نحوی که قسمت اعظمی از دولتهای جهان پذیرفته‌اند هست (اما)... از تحلیل محتوای قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ چنین بر نمی‌آید که شرکت وست من موظف بوده است نفوذی در نزد کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) اعمال نماید...»

بنابراین دادگاه پژوهش پاریس در جواز رشوه و اعمال نفوذ با آقای اپتی هم عقیده نیست. بنظر دادگاه: «عباراتی نظیر» خدماتی که بایستی توسط شرکت وست من برای قطعیت واگذاری توربینهای گاز به آلتوم «که در قرارداد آمده است نباید به این عنوان که شرکت مزبور قصد داشته است تحت پوشش آن به اعمال نفوذ مبادرت ورزد تفسیر شود.»

درست است که این عبارات لزوماً به این معانی دلالت ندارند. در عین حال نباید از طرفین قرارداد رشوه و اعمال نفوذ انتظار داشت که در قراردادشان صراحتاً بنویسند که مثلاً شرکت وست من متعهد به اعمال نفوذ است و باید به طرف دیگر قرارداد رشوه پرداخت نماید و سپس در مقابل آن استحقاق درصدی به عنوان کمیسیون را خواهد داشت تا قرارداد قراردادی غیر قانونی و مبتنی بر رشوه و اعمال نفوذ تلقی شود.

بنابراین بنظر می‌رسد که دادگاه پژوهش پاریس عملاً همان راهی را که آقای اپتی توصیه می‌نماید پیموده است. با اینهمه دادگاه پژوهش پاریس در محکومیت رشوه حتی بلحاظ نظری نیز معتقد به استثنایی است:

«در حقوق فرانسه، رشوه به استثنای موردی که مربوط به حقوق مالیاتی در روابط تجاری بین المللی است و بخاطر دلایل مربوط به خود انعطاف هایی در این مقوله وجود دارد، چه از نظر جزایی (خواه ناشی از عمل رشوه دهنده و خواه ناشی از عمل رشوه گیرنده: مواد ۱۷۷ به بعد قانون جزا) و چه از نظر مدنی قابل تعقیب است قراردادهای رشوه یا اعمال نفوذ به خاطر غیر اخلاقی بودن یا غیر قانونی بودن جهت و یا موضوع آنها (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی) باطلند مشروط به آنکه هدف غیر اخلاقی یا غیر قانونی آنها

برای طرفین معلوم باشد و بنابراین از مصادیق قاعده «عمل غیر اخلاقی کسی که به آن استناد می‌کند قابل استماع نیست»^۱ تلقی می‌گردد.

برای درک استثنای مورد نظر دادگاه، ممکن است که به مقاله‌ای که آقای لوگال در این زمینه نوشته است نظری بیفکنیم.

مقاله وی تحت عنوان «رژیم مالی کمیسیونهایی که توسط مؤسسات فرانسوی برای بدست آوردن بازار صادرات»^(۱) به ویژه از این جهت که به کلمه «بخشش» و زبان فارسی اشاره دارد برای خواننده فارسی زبان جالب توجه است. وی می‌نویسد:

«تجربه شرکتهای فرانسوی صادر کننده کالا ثابت کرده است که در بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه هیچ قراردادی منعقد نمی‌شود مگر اینکه مبالغی به عنوان کمیسیون، خواه به صورت رسمی و خواه به صورت مخفی به جیب کسانی که معمولاً ناشناس باقی می‌مانند واریز شود. این کمیسیون که می‌توان آن را bakchich (بخشش) هم نامید - البته اگر ریشه فارسی این لغت را که به معنای دادن (donner) است فراموش کنیم - مبتلابه بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای توسعه یافته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OCDE) است، اگرچه رواج آن در آفریقا و شرق دور و در منطقه خلیج (فارس) بیشتر است.»

تحقیق زبان‌شناسی نویسنده در مورد کلمه «بخشش» البته قابل تحسین است و تردیدی نیز نیست که فرانسوی زبانان لفظ «بخشش» را به معنای رشوه می‌فهمند. در فرهنگنامه لاروس آمده است که کلمه (bakchich) (بخشش) از ریشه فارسی است است که از طریق ترکان عثمانی به زبان فرانسه وارد شده است و معنای pot - de - vin (یعنی رشوه) را می‌دهد. فرهنگ روبرت (Robert) نیز که به واژه‌شناسی می‌پردازد کلمه را ترکی می‌داند که سابقه آن به قرن ۱۹ و سال ۱۸۴۶ می‌رسد و اشاره می‌کند در نیمه قرن بیستم بخشش در ترکیه، مصر و ایران به معنای کادو و انعام (pourboire) بکار می‌رود و در آنجا مثالی آورده است از نشریه‌ای بنام «دور دنیا» که در آن مقاله‌ای است به عنوان «از اسکندریه تا صوفیه» که در سال ۱۸۶۰ به چاپ رسیده است و آن مثال این

a- Nemo auditur propriam turpudinem allegans.

1- Le Gall, Le regime fiscal des commissions versees par les entreprises francaises pour l'obtention de marches a l'exportation, J.C.P, 1984, ed.E, 14342.

است ما «بلیط‌هایمان را تهیه کردیم و بعد در ایستگاه قطار مأموری عرب ما را تعقیب کرد و برای آنکه بلیط‌های ما را بگیرد از ما «بخشش» می‌خواست.»

اما استناد و استشهاد آقای لوگال به کلمه «بخشش» به خواننده چنین می‌فهماند که تجویز و تشریح رشوه نه به حقوق رم و نه حقوق کلیسا مربوط است و نه اساساً چنین معنا و مفهومی در زبان لاتین موجود بوده است. حتی لفظ آن نیز مربوط به کشورهای توسعه نیافته است. اما این سخن به وجهی مخدوش است: زیرا اولاً هر گاه ترکان عثمانی لفظ بخشش را از زبان فارسی به عاریت گرفته و در معنای رشوه استعمال کرده باشند این بدان معنا نیست که در زبانهای اروپایی و از جمله زبان فرانسه لفظ یا الفاظ دیگری برای رشوه وجود نداشته یا ندارد. در زبان فرانسه بجز کلمه CORRUPTION که به معنای رشوه است لااقل پنج کلمه مفرد غیر از کلمات مرکب مثل (commission Secrete یا Commission illicite) وجود دارد که چهارتای آنها به حکایت فرهنگ‌های لغت قبل از کلمه بخشش در زبان فرانسه استعمال شده‌اند.^(۱) ظاهراً لفظ بخشش نیز در تبادلات فرهنگی - زبانی به الفاظ مزبور اضافه شده است. ثانیاً وجود لفظ بخشش به معنای رشوه بدان معنا نیست که بخشش در زبان ترکی یا فارسی تأسیس حقوقی است و بر جواز حقوقی رشوه در نزد آنان حکایت می‌کند. حتی شیوع فعل غیر اخلاقی نیز به معنای جواز و حلیت آن نیست. جستجوی ریشه الفاظ زمانی گره از مشکلی می‌گشاید که اولاً خود لفظ محل نزاع باشد و بعلاوه در آنچه که به بحث ما مربوط است از تأسیس و اصطلاح حقوقی ویژه‌ای پرده بردارد.

باری، آقای لوگال می‌نویسد: «اداره مالیاتهای فرانسه از سال ۱۹۸۰ تدابیری به منظور حمایت از شرکتهایی که «مجبورند» (تأکید از ماست) مبالغی به صورت مخفیانه به

۱- این کلمات عبارتند از:

الف - Pot - de - vin (مسیوق به سال ۱۴۸۳) که صریحاً و بی‌ابهام به معنای رشوه است.

ب - enveloppe (۱۲۹۲) که یکی از معانی آن رشوه است.

ج - Dessou - de - table (۱۹۴۸) که ترجمه تحت اللفظی آن زیر میزی و کنایه از رشوه است.

د - arrosage (۱۶۱۱ و ۱۸۹۲) به معنای رشوه.

هـ - commission (کمسیون) که از ریشه لاتین است و سابقه آن به قرن سیزدهم میلادی برمی‌گردد و در سال ۱۶۷۵ به

معنای حق دلالتی بکار می‌رفته است. (همه تاریخها میلادی است)

دلالتان خارجی برای انعقاد قرارداد بپردازند اتخاذ نموده است زیرا می‌بایست به این نکته توجه داشت که اجرای خشک مقررات مالی ممکن است عامل بازدارنده فعالیت‌های این شرکت‌ها باشد. از سویی البته نباید اقداماتی که برای حمایت از این شرکتها اتخاذ می‌شود باب تقلب مالی نسبت به قانون فرانسه را باز نماید. این است که مسأله، مسأله حساس و ظریفی است.^(۱)

بنظر می‌رسد که آقای لوگال به تفاوت بین کمیسیون قانونی و کمیسیون غیر قانونی توجه نکرده است. زیرا این نکته آشکار است که کشورهای مختلف مقرراتی در مورد دلالتی و واسطه‌گری و شرایط آن وضع کرده‌اند.^(۲)

آنچه که مورد بحث و سؤال است این است که آیا کمیسیون غیر قانونی (و به عبارت دیگر رشوه‌ای که تحت عنوان کمیسیون رد و بدل می‌شود) چه حکمی دارد؟ ایراد و اعتراض آقای اپتی این است که چرا رشوه را در قراردادهای بین المللی اخلاقی تلقی نکنیم؟ زیرا وی بر این عقیده است که اخلاق در حال تغییر و تحول بوده و هست. در واقع آقای لوگال بجای ورود در بحث کمیسیون قانونی و کمیسیون غیر قانونی (و یا به تعبیر وی بخشش) مقاله خود را، «رژیم مالی کمیسیون هایی که توسط شرکتهای فرانسوی برای بدست آوردن بازارهای خارجی» نام نهاده است. وی برای معرفی این رژیم خاص می‌نویسد:

«مراجع اداری مربوط به گمرکات و مالیات‌ها در کشور فرانسه مقررات گوناگونی برای تسهیل امور شرکت‌هایی که «مجبور می‌شوند مبالغی به حساب دیگران واریز کنند» وضع کرده‌اند. در حقیقت شرکتهای ذیربط از نمایندگان مجلس و شورای دولتی در این خصوص استمداد نموده‌اند و مراجع مذکور نیز از اداره مالیاتها خواسته‌اند که «اصول عمومی قابل اجرا بر کمیسیون هایی که به حساب دلالتان ریخته می‌شود را اجرا کنند.»^(۳) مبالغ پرداخت شده توسط شرکتهای رشوه دهنده به عنوان بار مالی آنها تلقی شده و از مجموع بدهی‌های مالیاتی آنها کسر می‌شود.»

آقای لوگال سپس به تجزیه و تحلیل جدول محاسباتی مربوط به نحوه کاهش پرداخت اینگونه هزینه‌ها و تفاوتی که در صورت اعلام اسم ذینفع (با وصف اینکه

محرمانه باقی خواهد ماند) و عدم اعلام آن در اداره مالیات‌ها اعمال می‌شود پرداخته و در پایان نتیجه گرفته است که:

«نباید از مطالعه رژیم مالی رشوه‌هائی که به دلالتان^(۱) خارجی پرداخت می‌شود تعجب کرد... کنترل واقعی و طبیعی بودن این کمیسیون‌ها تنها اثرش این است که جدی بودن مقررات فرانسه تضمین می‌شود. این رویه (پراتیک) بطور عامتری در کادر منافع ملی وجود دارد و بیانگر ارادهٔ دولت برای جلوگیری از مجازات صادرکنندگان فرانسوی است. برعکس، اعلام هویت دلالتان به مقامات محلی، منجر به این می‌شود که پرداخت این کمیسیون‌ها مشکل‌تر شود.»

با توجه به اینکه آقای لوگال در مقاله خود از دلالتان به نام sponsor یاد می‌کند و از سوئی پاره‌ای از نویسندگان نیز مقالاتی در مورد فعالیت‌های sponsorها و sponsorship نوشته‌اند و یکی از شارحین رأی دادگاه پژوهش پاریس نیز قرارداد بین آلستوم و وست من را به عنوان قرارداد sponsor توصیف کرده و دیگری نیز گفته است که به آن نزدیک است، قبل از پرداختن به نظریات شارحین لازم است بدانیم که قرارداد sponsor چیست.

قرارداد اسپنسر (sponsor)

منظور از sponsor شخص یا دستگاهی است که مؤسسه‌ای دیگر را در جهت اهداف تبلیغی خود مورد حمایت مالی قرار می‌دهد.^(۲) به عبارت دیگر sponsoring عمل شرکت و یا مؤسسه‌ای است که برای انجام پروژه‌هائی در نزد شرکت دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند مشروط بر اینکه طرف مقابل، نام و یا عنوان (مارک) آن شرکت را تبلیغ و آگهی نماید. حقوقیین معنای دیگری نیز برای این تأسیس یافته‌اند و آن اینکه در مرحله قبل از قرارداد (مذاکرات) رفت و آمدهائی صورت می‌پذیرد تا از اراده‌های طرفین پرده بردارد. اراده‌هائی که به قول آقای موره (Meuret) «اساساً به فتح یک بازار

1- Sponsor

۲- کک: ریکسیونر روبرت و مقالهٔ دوبواسون (Duboisson) تحت عنوان.

یا بدست آوردن یک پروژه تمایل دارند.»^(۱)

برخلاف نظر آقای دوبواسون که عمل sponsor را به نفع کشورهای جهان سوم تفسیر کرده است آقای موره نوشته است که: به طور مشخص sponsorship به معنای استفاده از «کیفیت» یکی از طرفین (یعنی sponsor) برای استفاده طرف دیگر (یعنی صادر کننده) در یک پروژه خاص است. وی می‌افزاید که مدتهای زیادی این نوع فعالیتها به میتولوژی (اسرار) تجارت بین الملل مربوط می‌شد اما اکنون با توسعه پروژه‌های صادراتی این توافقات به «عرف کمتر محرمانه» پیوسته است.

آقای دوبواسون توضیح داده است که در بسیاری از قراردادهای بین المللی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، حضور شخص حقیقی یا حقوقی لازم است. این شخص که sponsor نام گرفته است واسطه‌ای است که گاه به موجب قانون کشوری معین دخالت او لازم است و گاه علیرغم قانون و به موجب رویه و پراتیک. وی سپس در بحثی به عنوان «از ممنوعیت تا الزام» از قانونگذاری‌های پاره‌ای از کشورها یاد کرده است که گاه دخالت واسطه را در قراردادهای بین المللی ممنوع کرده و گاه لازم دانسته‌اند. مثلاً در الجزایر به موجب قانون ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ (۲۰ دی ۱۳۵۸) که مسأله تجارت خارجی را به انحصار دولت درآورده است شرکتها و مؤسسات خارجی از مراجعه به خدمات واسطه‌های خصوصی منع شده‌اند. حتی یک شرکت خارجی که قصد دارد در الجزایر مبادرت به فروش کالائی نماید موظف است اعلامیه‌ای تنظیم نموده و در آن تصریح نماید که هیچگونه کمیسیونی به هیچ نماینده یا واسطه‌ای نداده و نباید بدهد. هرگونه اعلامیه خلاف واقع نیز به موجب قانون چه از نظر مدنی و از چه نظر جزائی قابل تعقیب و مجازات است. اما برعکس، در عربستان سعودی به موجب بخشنامه سلطنتی ژوئیه ۱۹۶۲ و اوت ۱۹۶۹ و ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ هر شرکت خارجی که قصد دارد کالا یا خدماتی به دولت عرضه نماید موظف است به دلال یا نماینده‌ای مراجعه نماید. همینطور است در بحرین، عمان، امارات متحده عربی، مصر (قوانین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۴) و خصوصاً در دوی و کویت. در همه این کشورها شرکتهای خارجی موظفند به sponsor مراجعه نمایند مگر موارد خاصی که به موجب قانون استثناء شده باشد. فلسفه این قانونگذاری‌ها

به نظر نویسنده مقاله این بوده است که کشورهای در حال توسعه تلاش می کنند که اقتصادشان را با محدود کردن آثار وابستگی تکنولوژیک حفاظت نمایند. تأسیس حقوقی sponsor در واقع به آنها امکان کنترل فعالیت های اقتصادی و حتی گاهی نیز مراقبت بر فعالیتهای اشخاص خارجی را فراهم نموده است.^(۱) در مورد شرایط Sponsorها و مبلغ کمیسیون آنها نیز در این قانونگذاری ها مقرراتی به چشم می خورد. مثلاً در عربستان سعودی sponsor باید لزوماً تابعیت سعودی داشته باشد و مبلغ کمیسیون هم نباید از ۵٪ مبلغ قرارداد مورد نظر شرکت خارجی تجاوز نماید. چیزی که در عمل به گفته آقای دوواسون حداقل را تشکیل می دهد. بعلاوه چنانچه اختلافی بین sponsor و مشتری وی بوجود آید به کانون حل اختلافات تجاری^(۲) ارجاع می شود. در امارات متحده عربی و بحرین نیز قانون مقرر کرده است که اختلافات باید به دادگستری آن کشورها ارجاع شود. اما در کویت قانون ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۳ مهر ۱۳۵۹) اجازه داده است که sponsor و شرکت خارجی در قراردادشان در صورت تمایل، بتوانند قانون خارجی را صلاحیتدار بدانند و به علاوه می توانند به دادگاههای خارجی و یا داوری بین المللی نیز مراجعه کنند. در ابوظبی نیز به موجب قانون، کمیسیون نمی بایست از ۲٪ مبلغ قرارداد اصلی تجاوز نماید، چیزی که بنا به اظهار آقای دوواسون ندرتاً ممکن است مراعات شود. همچنین قانون، طرفین را در انتخاب قانون صلاحیتدار و طریقه حل اختلاف آزاد گذاشته است.^(۳)

بررسی انتقادی نظریات شارحین

اکنون زمان آن است که به بررسی آراء نویسندگانی بپردازیم که در حاشیه رأی دادگاه پژوهش پاریس فرصت یافته اند تا به اظهار نظر بپردازند. نویسندگانی که در «مجله انتقادی حقوق بین الملل خصوصی» و «مجله داوری» به تجزیه و تحلیل رأی پرداخته اند نتوانسته اند رابطه منطقی بین مقدمات و مؤخرات رأی دادگاه پاریس ایجاد

۱- همان منبع ص. ۴۰۴

2- Board for settling commercial disputes.

۳- همان منبع همچنین نگاه کنید به: قرارداد اسپنر

نمایند. این شاید به دلیل تناقضاتی است که دادگاه در بیان نظر و رسیدن به نتیجه بدان گرفتار بوده است. بدین لحاظ با وصف اینکه هر دو نویسنده نهایتاً رأی دادگاه را ستوده‌اند از طرح اشکالات حقوقی بدان غفلت نکرده‌اند. آقای هوزه (Heuze) با وجود اینکه در مجله انتقادی حقوق بین الملل خصوصی با نظر دادگاه در محکومیت بدون قید و شرط رشوه و اعمال نفوذ موافق است، به رأی دادگاه خوشامد گفته و ضمن تأیید این موضع نوشته است:

«اینکه دادگاه در مورد مسأله رشوه و اعمال نفوذ این قدر توضیح داده است در صورتی که دست آخر هم معتقد نیست که در ماجرا رشوه و اعمال نفوذی رخ داده است برای رفع تردید در مورد پاره‌ای نظریات عده‌ای است منظور (آقای اپتی) است که به نام واقع‌گرایی و رئالیسم نظر به مشروعیت رشوه و اعمال نفوذ می‌دهند.^(۱) سپس می‌افزاید که با وجود، [تفصیلات طولانی دادگاه] نگرانی‌های موجه کسانی را که در اراده واقعی دولت و دادگاهها برای مبارزه با کژی‌ها در تجارت بین الملل تردید کرده‌اند از میان بر نمی‌دارد.» آنگاه به طرح این سؤال مهم می‌پردازد که بالاخره تکلیف چنین قراردادهایی که در تجارت بین الملل منعقد می‌شوند چیست؟ آیا باید گفت که این قراردادها با نظم عمومی بین‌المللی سازگارند؟ بنظر وی در واقع دادگاه به همین نتیجه رسیده است. زیرا نهایتاً علت قرارداد مذکور را اخلاقی تلقی نموده است. نویسنده به دنبال آن توضیح دقیقی داده و می‌گوید: «رأی دادگاه نشان می‌دهد که موضوع قرارداد چه چیزی نیست - و یا بهتر بگوئیم چگونه باید تلقی شود برای اینکه نباشد - اما اینکه موضوع قرارداد چیست را عمیقاً نامعلوم گذاشته است.» به عبارت دیگر دادگاه بجای آنکه بگوید که قرارداد موضوعش چیست گفته است چه چیزی نیست. وی که مایل است به سؤال مذکور پاسخ بگوید پس از بیان مقدمه‌ای تلویحاً قرارداد مورد نزاع را از نوع قرارداد sponsor معرفی می‌کند و می‌نویسد: «در سال ۱۹۹۷ کمیسیونی از سوی اتاق تجارت بین الملل» در مورد اعمال قدرت^(۲) و رشوه در توافقات بین المللی» تشکیل شد که در گزارش آن کمیسیون که متأسفانه هنوز نیز واقعیت دارد آمده است که در بعضی از

1- Vincent Heuze, Rev. Crit.dr.int.pr.1994. P.360

۲ - exaction به معنای اعمال قدرت جهت اخذ مالیات اضافی یا مالیات ناروا و امثال اینها تعریف شده است. مراجعه

کشورها رشوه چنان شایع و رایج است که در واقع به عنوان یک نحوه زندگی مردم تلقی می شود و چنین به نظر می رسد که حکومت‌های مربوطه ابزار لازم و اراده سیاسی برای از بین بردن آن را ندارند.^(۱) وی ادامه می دهد که: «غالب شرکتهای و مؤسسات غربی متقاعد شده اند که اگر نگوئیم در تمام کشورهای در حال توسعه، در اکثر آنها، هیچ کاری بدون فشار و یا حمایت [پارتی] انجام نمی شود... به نظر آنها اگر (در این کشورها) هیچ چیزی بدون دلالت انجام شدنی نیست، به طریق اولی هیچ کاری نیز علیرغم میل و نظر آنان انجام نمی شود.»^(۲)

آقای بورو^(۳) در مجله داوری نوشته است که: «بیان دادگاه، مخالفت جدی با رشوه و اعمال نفوذ است اما می دانیم که این مطلب اخیراً مورد تردید واقع شده است. این در واقع، همانطور که آقای اپتی نوشته است یک تناقض است زیرا رشوه در عین حال که مورد انکار همه است بطور جهانی شایع هم هست. «وی مجدداً با اشاره و استناد به عبارات دیگری از آقای اپتی رأی دادگاه را از این نظر که اعلام نموده رشوه و اعمال نفوذ با نظم عمومی بین المللی ناسازگار است مورد انتقاد قرار داده و می گوید واقعیت این است که از حقوق عملی آنچه که بیشتر احساس می شود انعطاف نسبت به مسأله رشوه است. از سوئی مشکل اقامه دلیل بر رشوه نیز از مسائلی است که قضات و یا داوران نمی توانند با عنایت به قرارداد و مضمون و محتوای آن با قاطعیت بدان حکم کنند. بنابراین، این نوع قرارداد «که می تواند به قرارداد دلالتی نزدیک شود، بخودی خود نباید غیر قانونی تلقی شود» وی سرانجام بدون یافتن راهی برای حل تناقض چنین نتیجه می گیرد: «اگر دادگاه نتوانست نشان بدهد که از قراردادی که با شرکت وست من تنظیم شده بر نمی آید که این شرکت وست من می بایست شرکت ملی نفت (ایران) را تحت نفوذ قرار دهد، نقطه مقابل آن هم بدون تردید تعجب آور است. بدون شک یکی از طرفین (یعنی شرکت آلستوم) نشانه هایی برای نمایاندن وصف غیر قانونی قرارداد داده است مثلاً: دخالت یک واسطه، نحوه محاسبه کمیسیون، نحوه واریز نمودن پول به حساب شماره ای در سوئیس، اما این نشانه ها نمی تواند موجب شود که با قاطعیت به غیر قانونی

۱ - منبع این گزارش به نقل نویسنده مقاله مذکور: pub. cci, n 192/42, p. 2

بودن قرارداد حکم نمائیم»^(۱)

اما آقای هوزه در مجله انتقادی حقوق بین الملل خصوصی ضمن موافقت خود با موضع دادگاه سرانجام توانسته است برای تعیین ماهیت قرارداد معیاری ارائه نماید. وی می‌گوید که در صورتی ما می‌توانیم واقعاً رشوه و اعمال نفوذ را محکوم نمائیم که به این واقعیت توجه کنیم که «اعمال نفوذ امروزه عرف واقعی تجارت بین الملل است و بنابراین نه تنها موجه بلکه ضروری است که فرض کنیم که قراردادهای دلالی، نمایندگی، معاونت و یا توصیه^(۲) که در تجارت بین الملل منعقد می‌شوند برای هماهنگی با همین عرف است... بنابراین هر گاه دلالی که مطالبه هزاران و بلکه دهها هزار فرانک می‌نماید نتواند بدرستی تبیین نماید که ماهیت و علت این دین چه بوده است می‌توان بر آن بود که قرارداد مخالف نظم عمومی بین المللی است.»

وی پس از ارائه نقطه نظر خود می‌افزاید که دادگاه شجاعت لازم برای این اظهار نظر را نداشته است. اما ما نیز در انتقاد به رأی تردید می‌کنیم زیرا نهایتاً دادگاه به بهانه دیگری، یعنی استناد به تقلب، رأی داوری را باطل نموده است.

اما این نظر کمترین معنایش این است که دادگاه نه مطابق آنچه که اصول حقوقی اقتضاء می‌کنند مبادرت به صدور رأی نموده است بلکه مطابق مقتضیات، سیاستی اتخاذ کرده است که رأی داوری را باطل کند. بنابراین در رأی دادگاه پژوهش پاریس سه نتیجه حاصل شده است: یکی اینکه دادگاه رشوه و اعمال نفوذ را به طور نظری مردود دانسته است. دوم آنکه آنچه را که در خارج اتفاق افتاده تأیید نموده است و آخر آنکه رأی داوری را مطابق درخواست شرکت فرانسوی آلتستوم باطل کرده است.

از سوی دیگر آقای هوزه تلویحاً و از زبان مؤسسات و شرکتهای غربی ذهن خواننده را به قرارداد اسپنسر متوجه می‌نماید. در عین اینکه وی قرارداد مورد نزاع را از نوع قرارداد اسپنسر نمی‌داند. آقای بورو هم همانطور که دیدیم در عبارتی مبهم می‌گوید که قرارداد مذکور می‌توانسته به قرارداد اسپنسر «نزدیک» شود.

اما بنظر می‌رسد که تحلیل‌های فوق‌الذکر به وجوهی مخدوش است: اولاً چنانچه قانون کشوری مثل عربستان سعودی مراجعه به واسطه (sponsor) را لازم دانسته است

قراردادی وصف sponsorship می‌یابد که بین شرکت خارجی و واسطه محلی منعقد شده باشد اما قراردادهائی نظیر آنچه بین شرکت آلتستوم فرانسوی و وست من انگلیسی جهت بدست آوردن قرارداد پتروشیمی اراک منعقد شده است ارتباطی با sponsorship پیدا نمی‌کند. ثانیاً چنانچه قانون بعضی از کشورهای در حال توسعه رجوع به اسپنسر یا نماینده یا دلال را لازم می‌داند، در حالی که قوانین کشورهای مثل ایران، الجزایر، پاکستان، هند، لیبی و غیره به ممنوعیت اینگونه عملیات حکم داده‌اند چگونه می‌توان به مشروعیت و یا اخلاقی بودن پرداخت رشوه به سایر کشورها یا همه کشورهای در حال توسعه حکم کرد؟ ثالثاً: اگر قرارداد رشوه مخالف نظم عمومی فرانسه است حکم صادره از دادگاه فرانسه که مستقیماً داخل در سیستم حقوقی فرانسه است نمی‌تواند به آنچه که مخالف نظم عمومی است بدین لحاظ که مثلاً با نظم عمومی عربستان سعودی موافق است اعتبار دهد. از باب مثال تعدد زوجات که مخالف نظم حقوق فرانسه تلقی می‌شود نمی‌تواند به استناد اینکه در عربستان سعودی یا کویت جایز و جاری است مورد شناسایی نظام حقوق فرانسه قرار گیرد.

نویسنده دیگری از شارحان رأی مربوط به آلتستوم نوشته است که «به نظر می‌رسد که قرارداد بین آلتستوم و وست من قراردادی از نوع sponsor باشد که در کشورهایی که عرف اجتماعی و جامعه‌شناسی آنها مثل ما نیست و در نتیجه تجارت و همینطور قواعد حقوقی آنها متفاوت است بسیار شایع است. در این کشورها شناخت خاص از زمینه افراد بخصوص روابط بین انسان‌ها که گاه مهمتر از قواعد حقوقی است لازم است.»^(۱)

البته همانطور که اشاره کردیم نویسندگان حقوقی، قرارداد sponsor را قراردادی که بین شرکتهای صادرکننده و دلال یا نماینده محلی کشورهای در حال توسعه تعریف کرده‌اند و همانطور که دیدیم نه آقای بورو و نه آقای هوزه هیچکدام صراحتاً نگفته بودند که قرارداد بین آلتستوم و وست من قرارداد sponsor بوده است زیرا چنین توصیفی با تعریف قرارداد sponsor سازگار نبوده و نیست. بدین لحاظ عبارات فوق الذکر شایسته تقد و بررسی نیست.

باری، رأی دادگاه پژوهش پاریس، خود بیش از هر شرح و تفسیری گویاست. شرح مبهم و متناقضی که آقایان هوزه و بورو بر این رأی نوشته‌اند بجای روشنائی و

توجیه عملکرد دادگاه، بر ابهام و تناقض موضوع افزوده است.

خلاصه رأی دادگاه:

رأی دادگاه تجدید نظر پاریس بسیار مفصل و طولانی و شامل قسمت‌های زیر است:

- توضیح ماجرا

- قابل استماع بودن درخواست ابطال رأی داوری

- ماهیت اختلاف

به منظور رعایت اقتصاد، پس از ذکر جزئیات ماجرا از زبان دادگاه قسمت‌هایی از رأی را که به گفتار ما مربوط است در زیر می‌خوانیم:

الف - توضیح ماجرا از زبان دادگاه

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۰ آذرماه ۱۳۶۴)، شرکت فرانسوی آلستوم^(۱) با شرکت انگلیسی وست من ۴۰ در رابطه با پروژه پتروشیمی اراک (ایران) قراردادی منعقد نموده است که موضوع آن چنین است:

«شرکت وست من تعهد می‌نماید که ترتیبی اتخاذ نماید که شرکت آلستوم برای انجام پروژه صلاحیتدار شناخته شود. در صورت نیاز بوجود صلاحیتهای خاص، وست من می‌بایست حداکثر اطلاعات لازم و پیشنهاداتش را برای حمایت از شرکت آلستوم در قبال اخذ پروژه اعلام نماید.

در حین مذاکرات، شرکت وست من مکلف است همه توصیه‌های مفید برای بدست آوردن قرارداد را در بهترین شرایط ممکن برای آلستوم فراهم نماید.

پس از امضای قرارداد شرکت وست من می‌بایست همه همکاری‌هایی که برای اجرای کامل این قرارداد منطقاً می‌توان انتظار داشت را انجام بدهد.

مدت این قرارداد ۳ سال است و اگر در دو سال اول اجرای آن، شرکت آلستوم بتواند پروژه پتروشیمی اراک را بدست آورد، متعهد به پرداخت مبلغی به عنوان کمیسیون

1- Alstom Turbines a Gaz SA.

2- Westman International Ltd.

به شرکت وست من خواهد بود. میزان این کمیسیون بر اساس هزینه هائی از هر گونه که باشد و «وست من» برای مأموریتش متحمل شده است برآورد خواهد شد و نهایتاً طی توافق دو جانبه قبل از آنکه آلتستوم پروژه را تحویل بگیرد مبلغ دقیق آن تعیین خواهد شد (ماده ۴ قرارداد) اما بهر حال در صورتیکه شرکت آلتستوم هیچگونه موافقتی برای پروژه در دوره اعتبار قرارداد دریافت ننماید، شرکت «وست من» حق هیچگونه خسارتی را به هیچ نحوی نخواهد داشت.

ماده ۶ این قرارداد شرط می‌کند که در صورتیکه شرکت آلتستوم در مدت دو سال فوق‌الذکر بتواند پروژه را بدست آورد اما از اجرای پروژه منصرف نشود تا ۶ ماه پس از انتقضای این توافق نامه، آلتستوم ملزم است نصف مبلغ کمیسיוنی را که در ماده ۴ پیش‌بینی شده به «وست من» بپردازد.

این قرارداد صراحتاً اعلام نموده است که قانون حاکم بر آن قانون فرانسه است و همچنین شامل یک شرط داوری است که به این ترتیب تنظیم گردیده است:
 «هرگونه اعتراض به این توافق نامه، مطابق قواعد داوری اتاق تجارت بین‌الملل در پاریس بوسیله سه داور که مطابق قواعد مزبور منصوب خواهند شد به شکل قطعی حل خواهد شد.»

در تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۸ تیر ۱۳۶۶) کارفرما (پتروشیمی اراک) طی نامه‌ای از شرکت آلتستوم می‌خواهد که چنانچه مایل به انجام پروژه است مراتب را اعلام نماید و در صورت مثبت بودن پاسخ، اطلاعاتی را که به منظور ارزیابی صلاحیت شرکت آلتستوم برای کارفرما مفید خواهد بود ارسال نماید.

شرکت وست من در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۱ شهریور ۱۳۶۶) به شرکت آلتستوم موافقت کارفرما برای تهیه توربین‌های گاز برای پروژه سابق‌الذکر را اطلاع داده و تصریح نموده که این مسأله بدواً طی نامه مورخ ۲۴ اوت ۱۹۸۷ (۲ شهریور ۱۳۶۶) ۱۹۸۷ (۱۱ مهر ۱۳۶۶) وسیله تلکس مورخ ۱۳ اکتبر اطلاع وی رسیده و سپس به توسط آنتن محلی وی در تهران به کارفرما تأیید شده است.

شرکت وست من طی نامه مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۸ (۲۰ تیر ۱۳۶۷) خاطر نشان ساخته که چهار شرکت که یکی از آنها آلتستوم بوده درخواست انجام پروژه را داشته‌اند که کارفرما از میان آنان آلتستوم را انتخاب کرده است و در نتیجه درخواست نموده که نرخ

کمیسیونی که باید بوسیله آلتستوم به وی پرداخت شود تعیین گردد.^(۱) و در ضمن پیشنهاد نرخ ۶٪ از ارزش FOB قرارداد را نموده است. شرکت وست من طی نامه‌های مورخ ۱۸ ژوئیه و ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸ (۲۷ تیر و ۲۵ شهریور ۱۳۶۷) خاطر نشان ساخته که مخارج قابل توجهی برای انتخاب شرکت آلتستوم متحمل شده و اعلام نموده که مذاکراتی برای نیل به توافق در مورد نرخ کمیسیون سازمان داده شود. شرکت آلتستوم طی نامه اول مارس ۱۹۸۹ (۱۱ اسفندماه ۱۳۶۷) ضمن اعلام اینکه قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۰ آذر ۱۳۶۴) در تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۸ (۱۰ آذر ۱۳۶۷) خاتمه یافته است به شرکت «وست من» اطلاع داده که در نظر ندارد قرارداد مزبور را تجدید نماید.

در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۸۹ (۲۲ اسفند ۱۳۶۷) قرارداد تهیه توربین‌های گاز بین کارفرما و شرکت آلتستوم منعقد شده است. شورای شرکت وست من در تاریخ ۲۳ می ۱۹۸۹ (۲ خرداد ۱۳۶۸) با یادآوری مکاتبات قبلی و قرارداد ۱۲ مارس ۱۹۸۹ (۲۲ اسفند ۱۳۶۷) پیشنهاد نموده که نرخ کمیسیون ۳٪ کل مبالغی که شرکت آلتستوم در مورد سفارشات توربین‌های گاز برای پروژه اراک دریافت می‌نماید تعیین شود و اضافه نموده که در صورت رد این پیشنهاد، شرکت وست من به داوری مراجعه خواهد کرد.

دادگاه داوری متشکل از ۳ عضو تحت نظر اتاق تجارت بین‌الملل تشکیل می‌شود. در مقابل دادگاه داوری، شرکت وست من درخواست کمیسیون به مبلغ ۶٪ را می‌نماید. شرکت آلتستوم در مقابل ادعا می‌کند که قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ بخاطر غیر قانونی و غیر اخلاقی بودن موضوع و علت آن باطل است. به موجب ابلاغ مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۹۰، داوران مأموریت می‌یابند که در موارد زیر اظهار نظر نمایند:

- ماهیت قرارداد

- اعتبار قرارداد نظر به قانونی بودن یا اخلاقی بودن موضوع و علت آن و مآلاً با در نظر گرفتن عدم تعیین نرخ کمیسیون:

- چه تعهداتی بر عهده شرکت وست من بوده و آیا اجرای آن قابل توجه بوده

است؟

۱- چون در قرارداد آمده بود که به محض قطعی شدن مسأله، نرخ کمیسیون تعیین خواهد شد.

Free on Board. منظور مبلغی است که با احتساب کلیه هزینه‌ها طرفین توافق کرده‌اند تا زمانی که کالا به ساحل کشور

مورد نظر برسد.

– چه مبالغی شرکت وست، من به عنوان کمیسیون یا خسارت احتمالاً بدهکار است؟

شرکت وست من طی نامه‌های سابق الذکر به تاریخ ۱۸ ژوئیه و ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸ و همینطور در لوایح خود مدعی گردید. که مبالغ مهمی برای اجرای مأموریت خود متحمل شده است. دادگاه داوری طی نامه مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۹۱ از شرکت مزبور خواسته است که صورت تفصیلی موارد مربوط به هزینه‌هایی را (وفق ماده ۴ بند ۱ قسمت دوم قرارداد) که بر اساس قرارداد به عمل آورده است و همچنین مبالغ تفصیلی هزینه‌هایی که وست من مدعی است در اجرای مأموریتش خرج کرده است ارائه نماید.

شرکت وست من در تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۹۱ صورت تفصیلی هزینه‌ها را که جمعاً بالغ بر ۷،۱۰۴،۹۸۳ فرانک سوئیس می‌شود ارائه نموده است. این صورت وضعیت خصوصاً شامل این موارد است: حقوق پرسنل شامل حقوق ثابت و پاداش، هزینه اکیپ تهران که مطابق با ۰.۸٪ ارزش کلی قرارداد است و همینطور هزینه‌های عمومی مثل اجاره محل، هزینه‌های نگهداری، هزینه تلفن، هزینه حمل و نقل، تهیه وسایل اداری اعم از دفتر تهران و لندن.

طرفین نظراتشان را در مورد این صورت وضعیت و ضامم آن طی یادداشتهای ۵ و ۲۸ اوت ۱۹۹۱، ۲۳ اوت (به ترتیب شرکت آلتوم و شرکت وست من) ارائه داده‌اند. داوران در تاریخ ۲۱ مارس (۱ فروردین ۱۳۷۱) ۹۲ رأی خود را بدین ترتیب اعلام کرده‌اند:

«قراردادی بین طرفین برای به دست آوردن پروژه تهیه توربینهای گاز مربوط به شرکت ملی پتروشیمی در کادر پروژه پتروشیمی اراک وجود داشته است. این قرارداد از جمله عقود نامعین (Sui generis) است که ترکیبی است از یک قرارداد مقاطعه کاری (contrat d'entreprise) و یک قرارداد دلالی واسطه‌گری courtage و اینکه قرارداد معتبر است.

و اینکه وست من به تعهدش دایر بر اینکه پروژه به آلتوم واگذار شود عمل کرده است.

و اینکه پس از اخذ پروژه، آلتوم مانع اجرای تعهدات وست من شده است. و اینکه آلتوم باید به عنوان کمیسیون ۴٪ از مبلغ قراردادش با شرکت ملی پتروشیمی را به وست من بپردازد.

و اینکه آلتستوم محکوم است که مبلغ ۵/۷۱۲/۲۴۰ فرانک سوئیس به شرح ذیل به وست من بپردازد:

الف - مبلغ ۵۵۸/۸۹۶/۹۶ فرانک سوئیس به محض ابلاغ رأی

ب - ۴٪ از هر مبلغی که شرکت ملی پتروشیمی به حساب آلتستوم واریز نماید، در مدت ۳۰ روز از تاریخ دریافت هر مبلغ، چنانچه شرکت آلتستوم در پرداخت این مبالغ تأخیر نماید بهره تأخیر تأدیه نسبت به این مبالغ که به موجب قانون و مقررات فرانسه تعیین خواهد شد پرداخت خواهد شد.

دادگاه داوری بقیه تقاضاها را رد می‌کند.

دادگاه داوری شرکت آلتستوم را به پرداخت کلیه هزینه‌های داوری که به ۱۴۵/۱۰۰ دلار آمریکا تعیین می‌شود محکوم می‌نماید و همینطور به پرداخت هزینه‌هایی که شرکت وست من در مقام دفاع عنوان کرده است که بالغ بر -/۰۰۰/۴۵۰ فرانک است.

این مبالغ به محض ابلاغ رأی داوری قابل پرداخت خواهد بود و در صورت تأخیر در پرداخت، بهره قانونی دیرکرد مطابق مقررات فرانسه بدان‌ها اضافه خواهد شد.

دلایل دادگاه داوری در توجیه نظر خود این است که:

- شرکت وست من برای انتخاب آلتستوم نقش واسطه^(۱) و پس از انتخاب آلتستوم برای تهیه توصیه‌های مربوط به تهیه و برقراری سفارش و برای کمک در اجرای قرارداد، نقش مقاطعه کار را داشته است.

- از قرارداد چنین بر نمی‌آید که وست من می‌بایست برای انتخاب آلتستوم نزد شرکت ملی پتروشیمی اعمال نفوذ می‌کرده است. بلکه نقش شرکت مزبور تنها معرفی برتری توربینهای گاز آلتستوم بوده است.

- از یادداشتها و مکاتبات مبادله شده بین طرفین چنین نتیجه گرفته نمی‌شود که قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ قراردادی صوری^(۲) بوده و اراده طرفین این بوده است که وست من مأموریتی غیر از آنچه در قرارداد آمده داشته و اینکه وست من مأموریتش را غیر از آنچه که در قرارداد آمده است تفسیر کرده باشد.

- با توجه به حکومت قانون فرانسه بر قرارداد، تعهدات وست من، تعهد به نتیجه

بوده است و نتیجه (یعنی بدست آوردن قرارداد آلتوم) بدست آمده است و بنابراین شرکت وست من به تعهدات خود عمل کرده و شرکت آلتوم دلیلی ارائه ننموده که انتخاب وی در اثر فعالیت‌های وست من نبوده است.

- نظر به اطلاعات تفصیلی تهیه شده توسط وست من و عملکرد فوق الذکر طرفین راجع به اجرای تعهداتشان و عرف موجود در مورد اینگونه قراردادهای، منطقی است که مبلغ کمیسیون‌نی که شرکت آلتوم به شرکت وست من باید پردازد معادل ۴٪ ارزش قرارداد منعقد شده بین آلتوم و شرکت ملی پتروشیمی باشد.

در ضمن دادخواست ابطال رأی داوری شرکت آلتوم که اینک به شرکت اروپایی توربین‌های گاز (EGT) تغییر نام داده است به استناد مواد ۱۰۵۴ و بند ۵ ماده ۱۵۰۲ آیین جدید دادرسی مدنی مدارکی به شرح ذیل منضم به پرونده نموده است:

۱- سه فقره مدارک به تاریخ‌های ۱۴ اکتبر و ۴ دسامبر ۱۹۹۲ و ۲۳ آوریل ۱۹۹۳ که به دنبال درخواست شرکت مزبور، توسط شرکت کارشناسی حسابداری به نام شرکت Touche Ross با توجه به حساب‌های شرکت وست من که به ثبت شرکت‌های لندن بنام Companies House داده شده و حاوی سرفصل اطلاعات مالی مربوط به فعالیت‌های شرکت وست من است که در جدولی منعکس شده است.^(۱) شرکت آلتوم با ارائه این جدول خاطر نشان کرده که علیرغم اینکه مطابق قانون انگلستان شرکتها موظفند که جزئیات همه هزینه‌های خود را اعلام نمایند، شرکت وست من اعلامیه‌ای دایر بر حقوق کارمندان و یا اجاره محل و غیر اینها نداده است. بنابراین موارد اعلام شده به مراجع رسمی انگلیس برای نشان دادن وضعیت هزینه‌های این شرکت کافی است.

۲- رونوشت شکایتی که در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۹۳ از شرکت وست من بخاطر گواهی‌های خلاف واقع و کلاهبرداری به عمل آمده است.

از سوی دیگر، شرکت وست من نیز مدارک زیر را ارائه نموده است:

۱- گواهی بدون تاریخ مسئول حسابداری شرکت، در آن آمده است:

«ما به عنوان مسئولین مالی شرکت مزبور از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ (۹ آذر ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۰) عمل کرده‌ایم. در این چند سال سهامداران بنیانگذار شرکت، هزینه‌های بسیار گزافی در رابطه با مذاکرات به عمل آمده در ایران از سوی شرکت

آلتستوم متحمل شده‌اند. این هزینه‌ها در حسابهای شرکت مربوط به سالهای مذکور نیامده است زیرا مطابق توافقی که بین شرکت و سهامداران اصلی به عمل آمده قرار بر این بوده است که این هزینه‌ها را شرکت، پس از دریافت مبالغی که آلتستوم بدهکار است به آنان پرداخت نماید.

۲- در نامه دیگری به تاریخ ۴ می ۱۹۹۳ از سوی همین مسئول حسابداری چنین آمده است که:

مؤسسين شرکت قبول کرده‌اند که در ارتباط با بازپرداخت هزینه‌ها، مادام که آلتستوم هزینه‌ها را پرداخت نکرده اعتراضی نداشته باشند. بنابراین مادام که آلتستوم مبلغ کمیسیون را پرداخت نکرده است بدهی در حسابهای شرکت وجود نداشته که منظور شود.»

شرکت آلتستوم در رابطه با تقاضای خود دایر بر ابطال رأی داوری اعلام نموده که اجرای این رأی مخالف نظم عمومی بین المللی است زیرا:

۱- این رأی به قراردادی ترتیب اثر می‌دهد که موضوع آن اعمال نفوذ و رشوه است.

۲- رأی، محصول تقلب شرکت وست من است.

شرکت EGT [آلتستوم] درخواست نموده که دادگاه درخواست تأمین اموال که از سوی شرکت وست من به عمل آمده است را نیز ابطال نموده و آن شرکت را به عنوان خسارات به:

-/۰۰۰/۲۵۰ فرانک (فرانسه) به دلیل خسارات تجارتي و اخلاقی در اثر تأمین اموال محکوم نماید.

شرکت وست من در مقابل مدعی است که دادخواست خواهان غیر قابل استماع است بدلیل آنکه شرکت EGT جانشینی خود را بر حقوق آلتستوم اثبات نکرده است و همچنین ماده ۲۴ مقررات داوری اتاق تجارت بین الملل هرگونه پژوهش خواهی علیه رأی داوری را ممنوع کرده است.

بعلاوه از دادگاه خواسته است که در مورد تأمین اموال نیز دادخواست خواهان را رد نماید.

ب - قابل استماع بودن درخواست رأی داوری

آنچه که تاکنون خواندیم جریان ماقع به ترتیبی بود که در رأی دادگاه پژوهش پاریس آمده است. دادگاه پس از شرح ماجرا در دو قسمت به صدور رأی مبادرت ورزیده است: در وهله اول به قابل استماع بودن درخواست ابطال رأی داوری پرداخته و پس از رد استناد به ماده ۲۴ مقررات اتاق تجارت بین الملل، دعوا را قابل پژوهش دانسته است.^(۱) بدین تفسیر که ماده مذکور که اعلام نموده که «طرفین از همه طرق پژوهشی که قابل صرفنظر کردن است صرفنظر می کنند» مربوط به موردی است که آنها حق صرفنظر کردن از پژوهش را داشته باشند.

ج - ماهیت اختلاف

پس از قبول قابل پژوهش بودن رأی داوری، دادگاه به ماهیت مسأله پرداخته و در دو قسمت ذیل به تفصیل توضیح داده است:

۱- در مورد مخالفت رأی داوری با نظم عمومی، از این نظر که اجرای آن رأی در فرانسه به منزله ترتیب اثر دادن به قراردادی غیر قانونی است که موضوع و علت آن اعمال نفوذ و رشوه بوده است.

۲- مخالفت رأی داوری با نظم عمومی از این نظر که اجرای آن به معنای ترتیب اثر دادن به تقلب شرکت وست من در جریان داوری است.

در خصوص مورد اول یعنی تعیین ماهیت قرارداد و اینکه آیا ترتیب اثر دادن به آن مخالف نظم عمومی است یا نه چنین اظهار نظر کرده است:

«نظر به اینکه، شرکت EGT (آلتوم) با اعلام اینکه متمایل است قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ را (با وست من) منعقد نماید استدلال نموده است که (نمی خواسته است شرکت وست من را از این اقدام بی خبر بگذارد زیرا این احتمال وجود داشته که شرکت

۱- ماده ۲۴ مقررات سازش و داوری اتاق تجارت بین الملل که از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸ به اجرا درآمده است می گوید:

الف - رأی داوری قطعی است.

ب - طرفین با طرح اختلاف خود در داوری اتاق تجارت بین الملل متعهد می شوند که رأی داوری را بدون هیچگونه مهلتی اجرا کنند و همچنین [بدینوسیله] از همه راههای پژوهشی که قابل صرفنظر کردن است صرفنظر می کنند. مترجم.

وست من می‌توانسته نفوذی روی شخصیت هائی که می‌بایست قرارداد را با وی امضا کنند داشته باشد» به دلایل زیر تمسک جسته است که:

- انعقاد قرارداد اعمال نفوذ و رشوه که مطابق حقوق فرانسه (ماده ۱۱۳۱، ۱۱۳۳ قانون مدنی) بلحاظ غیر اخلاقی و غیر قانونی بودن علت و موضوع آن، باطل است، مخالف با نظم عمومی فرانسه و اخلاق مناسبات تجاری بین المللی است تا آنجا که این ممنوعیت به عنوان یک اصل عام حقوقی تلقی شده است.

- این دادگاه صلاحیت اظهار نظر در خصوص همه عناصر مربوط به بطلان، اعم از حکم و موضوع را دارد و تابع توصیفات و استنباطات دادگاه داورى نیست،

- ماهیت واقعی قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ جز با تلفیق و جمع عوامل و فروضی که قبلاً به دادگاه داورى نیز ارائه شده نمی‌تواند تعیین شود، این عوامل، بنظر EGT حاکی از عدم فعالیت واقعی و آشکار شرکت وست من است.

این عوامل عبارتند از: صرف دخالت یک واسطه برای مناقصه، نامعلوم بودن عباراتی چون «عملیاتی برای انجام» که به موجب قرارداد به شرکت وست من محول شده است، اصطلاحات بکار رفته «در یادداشتهای داخلی» بین طرفین از سوی «دفتر» تهران مربوط به شرکت وست من که به مقرر شرکت مزبور در لندن ارسال شده است، عدم ایجاد ارتباط بین شرکت آلستوم و کارفرما از سوی شرکت وست من، فقدان صورت وضعیت فعالیتها، فقدان تقاضای «مدارک کار» به منظور اطلاع کارفرما، فقدان مکاتبات بین شرکت وست من و کارفرما، شرایط پرداخت کمیسیون و نحوه محاسبه آن، واریز کمیسیون به حساب «شماره‌ای» در سوئیس،

- مدارک سابق الذکر در مورد فعالیتهای شرکت وست من که از سوی مراجع رسمی و حسابرسی، از روی مدارک ثبت شده در نزد ثبت محاسبات لندن که در جریان این دادرسی بدست آمده است نیز حاکی از غیر فعال بودن کامل این شرکت است،

- فقدان کامل فعالیت شرکت وست من نشان می‌دهد که خدمات مورد نظر در قرارداد لزوماً غیرقانونی بوده است زیرا هیچکدام از آنها با فعالیت واقعی و روشنی انطباق ندارد و از اینجا ماهیت واقعی قرارداد که «قرارداد اعمال نفوذ و رشوه» است نشان داده می‌شود،

- صورت هزینه‌های ارائه شده از سوی شرکت وست من به دادگاه داورى و ضامئم مربوط که همگی گواهی‌های خلاف واقع هستند نشان می‌دهد که شرکت وست

من در قبال فعالیت واهی خود به منظور پنهان کردن اعمال نفوذ مطالبه دستمزد نموده است.»

[دادگاه سپس به دلایل شرکت وست من پرداخته و چنین گفته است:]

نظر به اینکه شرکت وست من به دلایل داوران در ارتباط با اعتبار قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ اشاره کرده است و در لوایح بعدی اعلام نموده که اگر هزینه‌های مذکور در صورت حساب ضمیمه که به دادگاه داوری تسلیم شده در اعلامات وی به مراجع رسمی لندن نیامده است بدین دلیل بوده که این هزینه‌ها مستقیماً توسط سهامداران تحمل شده که پس از دریافت مبلغ کمیسیون به ایشان مسترد خواهد شد و بدین لحاظ هزینه هائی که توسط اشخاص ثالث به حساب شرکت انجام شده در جدول بدهکاری‌های شرکت منظور نشده است،

و نظر به اینکه شرکت وست من خاطر نشان کرده که شکایت جزائی خواهان همراه با درخواست خسارت چیزی جز تکرار ادعاهای واهی وی نبوده و دلالتی بر توصیف قرارداد به غیر قانونی بودن و در نتیجه عدم اجرای رأی داوری ندارد،

و نظر به اینکه در حقوق فرانسه، رشوه، به استثنای موردی که مربوط به حقوق مالیاتی در روابط تجاری بین‌المللی است و بخاطر دلایل خاص مربوط به خود انعطاف‌هائی در این مقوله وجود دارد، چه از نظر جزائی (خواه ناشی از عمل رشوه دهنده و خواه ناشی از عمل رشوه گیرنده: مواد ۱۷۷ به بعد قانون جزا) و چه از نظر مدنی قابل تعقیب است، قراردادهای رشوه یا اعمال نفوذ به خاطر غیر اخلاقی بودن یا غیر قانونی بودن علت و یا موضوع آنها (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی) باطلند مشروط بر آنکه هدف غیر اخلاقی یا غیر قانونی آنها برای طرفین معلوم باشد و بنابراین از مصادیق «قاعده عمل غیر اخلاقی کسی که به آن استناد می‌کند قابل استماع نیست»^(۱) تلقی می‌گردد.

و نظر به اینکه شناخت طرفین از هدف غیر اخلاقی یا غیر قانونی قرارداد که به موجب رویه قضائی لازم شمرده می‌شود به منظور تخفیف اثر بطلان نیست بلکه برعکس برای تقویت آن و حفاظت از طرفی است که در انعقاد قرارداد چنین قصدی نداشته است

و هدف قاعده سابق الذکر نیز جلوگیری از اجرای قرارداد غیر اخلاقی با اعطای تأمین به طرفی است که آن را ابتدائاً اجرا کرده است.

«و در نتیجه، نظر به اینکه قراردادی که علت و هدفش اعمال نفوذ و پرداخت رشوه است مخالف با نظم عمومی بین المللی فرانسه و همینطور اخلاق مناسبات تجاری بین المللی به نحوی که قسمت اعظمی از دولتهای جهان پذیرفته‌اند هست،

[آنگاه دادگاه به اختیار قانونی خود در اظهار نظر و بررسی رأی داوری از نظر حکم و موضوع در رابطه با مخالفت یا عدم مخالفت آن با نظم عمومی (به استناد ماده ۵-۲۰۱۵ قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه اشاره می‌کند و می‌افزاید]:

«و نظر به اینکه دادگاه داوری به درستی نتیجه گرفته است که از تحلیل محتوای قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ چنین بر نمی‌آید که شرکت وست من موظف بوده است نفوذی در نزد کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) اعمال نماید و به این استنباط داوران هیچکدام از طرفین اعتراض نکرده‌اند،

«و نظر به اینکه دلایل اشاره شده توسط EGT (آلستوم) در نزد دادگاه داوری دلالت قاطع بر فقدان فعالیت‌های شرکت وست من ندارد و بعلاوه دلالتی نیز بر غیر قانونی بودن قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ به این عنوان که موضوع آن اعمال نفوذ و پرداخت رشوه بوده است ندارد،

و نظر به اینکه در حقیقت مأموریت دلالتی محوله به شرکت وست من با توجه به اینکه شرکت مزبور ادعا داشته که از عرف‌های محلی برای تأیید صلاحیت آلستوم شناخت و آگاهی داشته، اگرچه در قرارداد، معیارهای آن به صراحت تعریف و تعیین نشده است و همچنین نظر به اهمیت و پیچیدگی بازار مورد نظر و اهمیت مشورت برای بدست آوردن آن، نمی‌توان بر آن بود که همه این عوامل فاقد ارزش بوده‌اند،

و نظر به اینکه به عباراتی نظیر "خدماتیکه بایستی توسط شرکت وست من برای قطعیت واگذاری توربینهای گاز به آلستوم" که در قرارداد آمده است نباید به این عنوان که شرکت مزبور قصد داشته است تحت پوشش آن به اعمال نفوذ مبادرت ورزد تفسیر شود زیرا همانطور که داوران نیز بدان اشاره کرده‌اند و نظریه آنان نیز مورد ایراد طرفین واقع نشده است نویسنده قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ شرکت آلستوم بوده است (به استثنای ۳

مورد تغییرات جزئی)،

و نظر به اینکه تعبیرات مندرج در یادداشتهای داخلی (خصوصاً این عبارت: دوستان پروژه ما) که از سوئی صحت آن از سوی شرکت EGT مورد مناقشه قرار گرفته است، با وصف عدم صراحت بر اقدامات ملموس و معین، دلالت بر این ندارد که این اقدامات می تواند به عنوان اعمال نفوذ توصیف شود،

- و اینکه قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ در کادر مأموریت تأیید صلاحیت آلتوم، پیش بینی نکرده است که وست من موظف است گزارش مأموریت خود را به آلتوم بدهد (رای داوری صفحه ۳۱)

- و نظر به اینکه نامه مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۸ تیرماه ۱۳۶۶) که از سوی کارفرما به شرکت آلتوم ارسال شده است نزدیکی این دو شرکت به منظور تأیید صلاحیت آلتوم را نشان می دهد،

- و شرکت آلتوم در خصوص اجرای مأموریت دلالی شرکت وست من اعتراضی نکرده است (رای داوری صفحه ۳۳)

- و نظر به اینکه مشروط بودن استحقاق وست من به کمیسیون در صورت بدست آوردن بازار توسط آلتوم نمی تواند به این عنوان که قرارداد "قرارداد اعمال نفوذ و رشوه" بوده است تلقی شود، زیرا نه چنین اثبات و نه ادعا شده است که این چنین شرطی، عرف جاری قرارداد بین المللی دلالی نیست،

- و نظر به اینکه وجود حسابی در سوئیس که شرکت وست من درخواست کرده که مبلغ کمیسیون را به آن واریز نمایند به تنهایی نمی تواند هدف و موضوع قرارداد را به عنوان اینکه غیر قانونی است اثبات نماید،

- و نظر به اینکه در قرارداد تصریح شده است که در صورت بدست آوردن بازار توسط آلتوم، شرکت وست من استحقاق دریافت همه هزینه ها «از هر نوع و [ماهیتی] که باشد» را دارد و این با ادعای اینکه شرکت وست من تحت پوشش قرارداد دلالی مأموریت پرداخت رشوه را داشته سازگار است. اما در صورت عدم تأیید صلاحیت آلتوم، وست من نمی توانسته مبالغی را که به عنوان رشوه پرداخت نموده بدست آورد. - در مقابل، نظر به اینکه مدارکی که به دادگاه ارائه شده (آنها که بنا به درخواست

شرکت EGT [آلستوم] از روی حسابهای شرکت وست من که به ثبت شرکتهای لندن^(۱) داده و آنها که از سوی حسابرس این شرکت تهیه شده و محتوای آنها قبلاً توضیح داده شد و همینطور اعلامیه‌های سابق الذکر شرکت وست من در لوایح ۷ آوریل و ۶ می ۱۹۹۳ نشان می‌دهند که این شرکت هیچکدام از هزینه‌هایی را که گواهی نموده است متحمل نشده است و در نتیجه در اجرای قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ اقدامی انجام نداده است،

و نظر به اینکه عدم اجرای تعهدات قراردادی مربوط به مناقصه توربین‌های گاز برای تأیید صلاحیت آلستوم و سرپوش گذاشتن بر عدم انجام هر گونه اقدامی با تهیه صورت هزینه‌های واهی در مقابل دادگاه داوری لزوماً بدین معنا نیست که قرارداد ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ در واقع مطابق اراده مشترک طرفین یا یکی از آنها یعنی شرکت وست من قراردادی بوده که هدف و موضوع آن اعمال نفوذ و رشوه بوده است،

- نظر به اینکه از یک طرف، دادگاه داوری پس از بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد و عناصر بر شمرده از سوی شرکت EGT بدرستی به این نتیجه رسیده است که قرارداد مذکور نمی‌تواند به عنوان قرارداد رشوه و اعمال نفوذ توصیف شود و از طرف دیگر مدارک ارائه شده به این دادگاه نیز نمی‌توانند ارزیابی دادگاه داوری را در این زمینه نقض نمایند، درخواست بطلان رأی داوری به دلیل مخالفت قرارداد مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ با نظم عمومی بین‌المللی از این نظر که قراردادی مبتنی بر اعمال نفوذ و رشوه است مردود می‌باشد.»

بدین ترتیب دادگاه پژوهش پاریس به اعتبار قرارداد مورد نزاع نظر داده است. دادگاه پاریس در بخش دوم رأی طولانی خود به بررسی رأی داوری از این نظر که به تقلب ارتكابی از سوی وست من در جریان رسیدگی دادگاه داوری ترتیب اثر داده پرداخته است و به این دلیل که صورت هزینه‌های ارائه شده از سوی شرکت وست من به مراجع صلاحیتدار لندن نشان می‌دهد که وست من در اجرای مأموریتش متحمل هزینه‌ای نشده و به عبارت دیگر مأموریتش را انجام نداده است، رأی داوری را بلحاظ تقلب در ارائه صورت هزینه‌ها از سوی شرکت وست من قابل ابطال دانسته و درخواست خواهان یعنی شرکت فرانسوی آلستوم را پذیرفته است. /RESHVEH8010

فهرست منابع :

- 1- Bruno Oppetit, «Le Paradoxe de la Corruption a l'épreuve du droit du Commerce International», Journal du Droit International, 1987, p.5.
- 2- Revue de l'arbitrage, 1994, P.359, note Dominique Bureau.
- 3- Code civil Francais
- 4- Revue critique de droit international privé, no 2, 1994, P.349, note Vincent Heuze.
- 5- Lexique de termes Juridiques
- 6- Le Gall, «Le régime fiscal des commissions versées par les entreprises francaises pour l'exportation», J.C.P, 1984, ed, E, 14342
- 7- Robert, Dictionnaire
- 8- Larrousse, Dictionnaire
- 9- Duboisson, «Le contrat de sponsor» Francis Meuret, Revue de droit des affaires internationales, 1987, n 8, p.797.
- 10- «Le contrat de sponsor» Francis Meuret, Revue de droit des affaires internationales, 1987, n 8, p.797.
- 11- Vincent Heuze, Revue critique de droit international prive, 1994, P.360.
- 12- Dominique Bureau, Revue de l'arbitrage, 1994, P.359.
- 13- Jacques Ribs, Les petites affiches, 22 fev. 1995, P.10.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی